

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه فهرس الشيعه

اصل وجود فهرسات در نزد اصحاب

و كانت هذا الفهارس مشهورة في عصر النجاشي و الشيخ؛ إذ يقول النجاشي في ترجمة عبد العزيز بن يحيى الجلودي: «هذه جملة كتب أبي أحمد الجلودي التي رأيتها في الفهرسات، و قد رأيت بعضها». و قال في ترجمة إبراهيم بن سليمان بن أبي داحية: «له كتب ذكرها بعض أصحابنا في الفهرسات لم أر منها شيئا» و في ترجمة الحسن بن محمد النهاوندي: «... ذكر ذلك أصحابنا في الفهرسات». و في ترجمة عليم بن محمد البكري «له كتاب التوحيد ... و لم نره غير أنه ذكر في الفهرسات»^[1].

و قال الشيخ الطوسي في مقدمة فهرسته:

... فأني لما رأيت جماعة من شيوخ طائفتنا من أصحاب الحديث عملوا فهرست كتب أصحابنا و ما صنفوه من التصانيف. و رؤوه من الأصول ... عمدت إلى كتاب يشتمل على ذكر المصنّفات و الأصول ...

و قال في الاستبصار:

قد أوردت جملا من الطرق إلى هذه المصنّفات و الأصول و لتفصيل ذلك شرح يطول هو مذكور في الفهارس للشيخ فمن أراه و وقف عليه من هناك إن شاء الله^[2]. (این مطلب اینجا مثل همان طرق مختلف کتاب حسین بن سعید است که نشان میدهد متأسفانه شیخ این دقت را نداشته است که طرق دیگر را برای نسخه خود ذکر نکند)

[1]. رجال النجاشي، ص ۱۵، ۴۹، ۲۴۴، ۳۰۴، الأرقام ۱۴، ۱۰۲، ۶۴۰، ۸۲۹.

[2]. الاستبصار، ج ۴، ص ۳۴۲.

۸ فهرست اساسی

۱. فهرست سعد بن عبد الله الأشعري، (المتوفى سنة ۳۰۱). ۲. فهرست عبد الله بن جعفر الحميري، (المتوفى سنة حدود ۳۰۵). ۳. فهرست حميد بن زياد النينواني، (المتوفى سنة ۳۱۰).

۴. فهرست محمد بن جعفر بن بطة، (المتوفى سنة حدود ۳۳۰). ۵. فهرست محمد بن الحسن بن الوليد، (المتوفى سنة ۳۴۳). ۶. فهرست جعفر بن محمد بن قولويه، (المتوفى سنة ۳۶۸).

۷. فهرست الشيخ الصدوق، (المتوفى سنة ۳۸۱). ۸. فهرست أحمد بن عبدون، (المتوفى سنة ۴۲۳).

جا داشت که فهرست ابن عقده هم ذکر میشد چون اگرچه شاید اجازه نامه مفصل باشد و نه فهرست ولی ماهیتا فرق چندانی ندارد.

شبهه ای در تعامل با اهل سنت

شيعه در علم حديث از قرن ۵ شروع کرد و این یعنی ضعف علم رجال در شيعه، چون اهل سنت از قرن ۲ رجال را شروع کرد.

جواب: شيعه دنبال رجال نبود. دنبال فهرست بود. فهرستهای شيعه از سالهای ۲۵۰ به بعد شروع میشود. هر چند کتب رجالی هم در این قرن داریم.

فهرست در نزد اهل سنت از حدود قرن ۹ (سیوطی کتابی دارد به اسم زاد المسیر فی الفهرست الصغیر) شروع شد. (این کلام چندان دقیق نیست چرا که اهل سنت در میان کتابهای رجالی خود بحثهای فهرستی دارند. در ضمن کتبی مانده کشف الظنون و منتجب الدین اجمالا فهرست نگاری است، هر چند زاویه دیدش با شيعه مقداری متفاوت است. بله خصوص این کتاب سیوطی که یک فهرست کبير هم نوشته که فعلا مفقود است، این است که از زاویه حجیت کتب نوشته شده است و اگر ایشان این قید را میفرمودند کلامشان دقیق دقیق میشد.

جواب اهل سنت این است که شيعه تا اوائل قرن ۴ نیازی به رجال نداشت چرا که راه قطعی داشت (مراجعه به معصوم) و از همان زمان هم شروع به رجال نویسی کرد ولی اهل سنت ۱۵۰ سال

بعد از معصوم (چون تنها معصوم در نظر آنها رسول الله صلی الله علیه و اله است) تازه به فکر افتادند. اگر شيعه تدوین حديث را از سال ۷۰ هجری شروع نمیکرد بلکه از ۲۵۰ بلکه از ۳۲۹

شروع میکرد باز هم از اهل سنت جلو بود. اگر شيعه تدوین حديث را از سال ۴۸۰ شروع میکرد تازه میشد مثل اهل سنت!!!! یعنی شيعه ۴۱۰ سال از اهل سنت جلو است!!!!

تبیین دقیقتر و کاملتر فهرست نویسی از زاویه حجیت که چون در جلسه اول مطرح شده بود اینجا نوشتم.

مقدمه تحقیق

فصل اول: آن در مورد بدایت تدوین حديث در شيعه است. ماجرای صحیفه جامعه را فرموده اند و اینکه اهل سنت خواسته اند شأن این کتاب را کم کنند و بگویند چند دانه روایت بیشتر نیست و نفی این مطلب. ذکر برخی از کتب قدیم شيعه. قبل از اینها هم مقداری اهل سنت را به نقد کشیده اند که خلفای آنها و بنی امیه نهی از کتابت حديث میکردند و مطلبی در این زمینه و محدود کردن روایت حديث نقل میکنند.

(خوب بود لا اقل به کتاب سلیم و کتاب قضایا و سنن و احکام هم اشاره میکردند.)

(طرح بحث معنای نهی از کتابت حديث توسط دومی که در جزوه حجیت خبر واحد آمده است مفصلا و لذا اینجا نیاوردم.)

فصل دوم: اهمیت نوشتار در بین اصحاب ما و احادیث مروی در این زمینه و مقایسه تطبیقی با آن اهل سنت. (مالک متوفای ۱۷۹ اولین کسی است که مصنف حدیثی دارد ولی شيعه حلبی را قبل از آن دارد) بیان این نکته که حديث شيعه غالباً کتابت است و حديث سنی غالباً شفاهی است.

بیان این نکته که اصحاب ما کتب حدیثی مشهور داشته اند و به مناسبت مراد ابن قولویه از عبارت مقدمه را بیان کرده اند که مرادش این است که از کتب مشهور نقل کرده ام و لذا مثلا از اصم بصری به اعتبار اینکه مطلبش در کتاب حسین بن سعید است مثلا نقل میکنند.

و از این جهت که میراث شيعی بیشتر کتابت است اصحاب ما به نسخ خیلی اهمیت میداده اند و تعبیری که بیان کننده این نکته است به عنوان شاهد ذکر کرده اند.

فصل سوم:

بیان نکاتی در مورد علم فهرست و شواهدی بر اینکه اصحاب ما خیلی به اجازه کتب اهمیت میداده اند.

بیان اختلاف زاویه دید فهرست و کتاب شناسی شيعه با سائر کتاب شناسی ها. مثلا ابن ندیم فهرستش از زاویه حجیت نیست به خلاف فهرست نویسی در شيعه.

فرق علم رجال و فهرست.

ایشان در این بحث به مناسبت بحث اصل و اقوال در آن را مطرح کرده اند که با توضیحات حقیر بلکه استاد با اصل خیلی فرق دارد.

بعد وارد توضیح نوادر شده اند. نوادر گاهی اسم کتاب است و گاهی وصف کتاب و وقتی وصف کتاب است گاهی روایات پراکنده است و گاهی مطالب ناب و گاهی شاذ. (البته ایشان این طوری نفرموده اند بلکه فقط دو احتمال اول را مطرح کرده اند.)

چهار تعبیر ذکر کرده اند که نشان دهند شهرت کتاب است. پرویه عنه جماعة، رواه عنه من اصحابنا، رواه جماعات من الناس، رواه جماعة (حقیر: شاید بتوان تعابیری مثل رواه غیر واحد و اینها را هم در این ضمن شمرد)

۱۳ وصف برای کتب ذکر کرده اند از قبیل حسن، کثیر الفوائد، صحیح، صحیح الحديث و... (برای ما برخی از این تعابیر با زاویه تعبیدی است و برخی با زاویه واقع گرایی است و نیازی به تعبیر نداریم و خودمان میفهمیم که آیا این طور هست یا خیر)

۱. کتاب جید: راجع ترجمة أحمد بن عبد الله بن مهرا ن. ۲. کتاب سدید: راجع ترجمة محمد بن جعفر بن بطة. ۳. کتاب صحیح: راجع ترجمة أحمد بن عبد الله بن مهرا ن. ۴. کتاب صحیح الحديث: راجع ترجمة الحسن بن علي بن النعمان و صدقة بن بندار القمي. ۵. کتاب کثیر الفوائد: راجع ترجمة الحسن بن محمد بن سهل و الحسين بن بسطام و الحسن بن علي بن النعمان، و كذلك ترجمة أحمد بن الحسن الأسفرائيني و عبد الله بن الفضل و أحمد بن إدريس و أحمد بن داوود بن علي القمي. ۶. کتاب کثیر العلم: راجع ترجمة الحسن بن راشد الطفاوي و محمد بن عمر بن عبد العزيز الكشي. ۷. کتاب معتمد: راجع ترجمة حفص بن غياث القاضي و طلحة بن زيد و عمار بن موسى الساباطي. ۸. کتاب عظیم: راجع ترجمة أحمد بن إسماعيل بن عبد الله. ۹. کتاب کبیر: راجع ترجمة الحسن بن محمد بن الفضل و ترجمة أحمد بن محمد بن عمران و أحمد بن محمد بن عمار و أحمد بن علي الفاندي و حميد بن زياد و حبيش بن مبشر و علي بن علي بن رزين و محمد بن علي بن النعمان و إسماعيل بن أبي زياد السكوني و أحمد بن محمد بن سعيد و أحمد بن علي الفاندي و عمار بن موسى الساباطي و... ۱۰. کتاب حسن: راجع ترجمة أبان بن عثمان و أحمد بن إبراهيم بن أبي رافع و أحمد بن محمد بن سعيد و حمزة بن القاسم بن علي و عمرو بن القاسم الثقفي و محمد بن أبي يونس و محمد بن أحمد بن داوود. ۱۱. کتاب حسن مستوفی: راجع ترجمة علي بن سعيد بن رزام. ۱۲. کتاب کثیر الغریب: راجع ترجمة محمد بن جعفر بن بطة. ۱۳. کتاب حسن غریب: راجع ترجمة أحمد بن إبراهيم بن المعلى

نشان دادن ذکر نسخ مختلف کتب در کتاب نجاشی و شیخ و ارزیابی آنها.

فصل پنجم

بیان نحوه ارتباط بین فهارس و به عبارت دیگر بیان مصادری که بر پایه آنها کتب فهرست نوشته میشود.

ایشان سه مصدر ذکر میکنند که یکی اجازات است و یکی کتب فهرست متقدم و دیگری کتب بازاری که به نحو وجاده است و از هر یک در کتب مختلف شواهدی ذکر میکنند. بعد از بیان این نکته و بیانهایی برای آن ایشان نحوه ارتباط فهارست ثمانیه و نقل آنها از یکدیگر را به صورت دسته دسته منظم ذکر کرده اند. فرموده اند که ما نه دسته یافتیم.

القسم الأول: الترابط بين فهرست ابن الوليد و فهرست سعد بن عبد الله: ص : ۵۹

القسم الثاني: الترابط بين فهرست ابن الوليد و فهرست الحميري: ص : ۵۹

القسم الثالث: الترابط بين فهارس الشيخ الصدوق و ابن الوليد و سعد: ص : ۶۰

القسم الرابع: الترابط بين فهارس الشيخ الصدوق و ابن الوليد و الحميري: ص : ۶۰

القسم الخامس: الترابط بين فهرست الشيخ الصدوق و فهرست سعد بن عبد الله: ص : ۶۰

القسم السادس: الترابط بين فهرست الصدوق و فهرست الحميري: ص : ۶۱

القسم السابع: الترابط بين فهرست الشيخ الصدوق و فهرست ابن الوليد: ص : ۶۱

القسم الثامن: الترابط بين فهرست ابن الوليد و فهرست الحميري: ص : ۶۲

۱. رجال النجاشي الرقم ۲۲۶ ص ۹۱.

۲. رجال النجاشي الرقم ۱۰۱۹ ص ۳۸۲.

۳. رجال النجاشي الرقم ۲۲۶ ص ۹۱.

۴. رجال النجاشي الرقم ۸۱ ص ۴۰، و الرقم ۵۴۴ ص ۲۰۴.

۵. رجال النجاشي الرقم ۷۵ ص ۳۸، و الرقم ۷۹ ص ۳۹، و الرقم ۸۱ ص ۴۰، و الرقم ۲۳۱ ص ۹۳، و الرقم ۶۱۶ ص ۲۳۲، الفهرست الرقم ۸۱ ص ۷۱، و الرقم ۸۷ ص ۷۴.

۶. رجال النجاشي الرقم ۷۶ ص ۳۸، و الرقم ۱۰۱۸ ص ۳۷۲.

۷. رجال النجاشي الرقم ۲۴۲ ص ۱۵۸، الفهرست الرقم ۳۷۲ ص ۱۴۹، و الرقم ۵۲۶ ص ۱۸۹.

۸. رجال النجاشي الرقم ۲۴۲ ص ۹۷.

۹. رجال النجاشي الرقم ۱۱۲ ص ۵۱، و الرقم ۲۰۶ ص ۸۵، و الرقم ۲۳۶ ص ۹۵، و الرقم ۲۳۷ ص ۹۶، و الرقم ۳۳۹ ص ۱۳۲، و الرقم ۳۷۹ ص ۱۴۶، و الرقم ۷۲۷ ص ۲۷۷، و الرقم ۲۷۸ ص ۷۲۹، و الرقم ۸۸۶ ص ۳۲۹، الفهرست

الرقم ۳۸ ص ۵۰، و الرقم ۸۶ ص ۷۳، و الرقم ۸۹ ص ۷۵، و الرقم ۵۲۶ ص ۱۸۹.

۱۰. رجال النجاشي الرقم ۸ ص ۱۳، و الرقم ۲۰۳ ص ۸۴، و الرقم ۲۳۳ ص ۹۵، و الرقم ۳۶۴ ص ۱۴۰، و الرقم ۷۶۶ ص ۲۸۷، و الرقم ۸۹۲ ص ۳۳۰، الفهرست الرقم ۶۰۳ ص ۲۱۱.

۱۱. رجال النجاشي الرقم ۶۷۷ ص ۲۵۹.

۱۲. رجال النجاشي الرقم ۱۰۱۹ ص ۳۸۲.

۱۳. رجال النجاشي الرقم ۲۳۹ ص ۹۶.

القسم التاسع: الترابط بين فهرست ابن الوليد و فهرست سعد بن عبد الله: ص : ٦٢
ایشان در ضمن هر نحوه ترابط مثالهایی را ذکر میفرمایند و ظاهراً اشتباه کرده اند زیرا دو عنوان تکرار شده است که عنوان ٨ و ٩ است و هر چه نگاه کردم نفهمیدم این جا چرا این طوری کرده اند.
ظاهراً اشتباه است. مثالهای مختلف زده اند ولی این مثالها خصوصیتی ندارد. تعجب است.
ولی نکته جالب این است که ارتباط فهرستها صرفاً در فهرس قمی ذکر شده است و ظاهراً فهرس دیگر ترابط این طوری نداشته اند.

فصل ششم:

ایشان میخواهند شهرت کتب دیگر را از راهی به دست آورند و آن ذکر شدن یک کتاب در فهرس متعدد است. اگر کتابی در چند فهرست ذکر شد دلالت بر شهرت کتاب میکند.
بعد لیستی تهیه میکنند.

القسم الأول: من ذكر في فهرستين ص : ٦٣

القسم الثاني: من ذكر في ثلاثة فهرس ص : ٦٦

القسم الثالث: من ذكر في أربعة فهرس ص : ٦٧

القسم الرابع: من ذكر في خمسة فهرس ص : ٦٨

القسم الخامس: من ذكر في ستة فهرس ص : ٦٩

القسم السادس: من ذكر في سبعة فهرس ص : ٦٩

بعد ایشان از ص ٦٩ تا ٧٤ ده مثال در یک کارآیی احیاء فهرس ذکر میکنند و آن تمییز مشترکات است که برخی برداشت کرده اند دو نفر داریم ولی در واقع یک نفر است.

فصل هفتم:

لیستی ٨٨٨ نفره ذکر میکنند که اسماء مؤلفین است و ذکر میکنند که هر کسی در چند فهرست اسمش آمده است.
در انتها هم یک خاتمه دارند که در آن میفرمایند ممکن است که برخی از این فهرس ثمانیه به دست جناب شیخ یا نجاشی مستقیماً نرسیده باشد.

فهرست سعد بن عبد الله

در مقدمه تحقیق:

ایشان سعد را معرفی میکنند. از عجائب این است که ابن داود ایشان را در ضعفاء ذکر میکنند!! اهمه تعجب کرده اند!
تعابیر ایشان چنین است:

رجال ابن داود/الجزء الأول من.../باب السنين المهملة/١٦٨

671 - سعد بن عبد الله بن أبي خلف

الأشعري القمي أبو القاسم [جش] شيخ الطائفة و فقيها و وجهها سمع من حديث العامة شيئا كثيرا لقي مولانا أبا محمد العسكري عليه السلام و بعض أصحابنا يضعف لقاءه له و يقال حكايته
موضوعة [جش]: عاصره و لم أعلم أنه روى عنه مات سنة ثلاثمائة و قيل قبلها بسنة و قيل بعدها بسنة في ولاية رستم.

رجال ابن داود/الجزء الثاني.../باب السنين المهملة/٤٥٧

201 - سعد بن عبد الله بن أبي خلف

الأشعري القمي أبو القاسم كر [جش] رأيت بعض أصحابنا يضعف لقاءه أبا محمد عليه السلام و يقول: حكايته موضوعة عليه.
به نظرم كاملاً واضح است که ذکر ایشان از باب استطراد است به این مناسبت که این حدیث خاص جعلی شمرده شده است.
در کتاب آخدا میان این روایت خاص مقداری مورد بررسی واقع شده است و بر آن طعونی وارد شده است.
بعد از ذکر طرق به این فهرست و اسم بردن کتب جناب سعد و نقلهایی که در مورد این کتب است ایشان دو تنبیه ذکر میکنند:
تنبیهان:

الأول: في الطريق إلى كتاب المنتخبات، كلام: إنَّ الشيخ الطوسي في فهرسته بعد ذكر طريقه الأول إلى كتب سعد، أضاف: «قال ابن بابويه: إلا كتاب المنتخبات، فإني لم أروها عن محمد بن الحسن إلا أجزاء قرأتها عليه، و أعلمت على الأحاديث التي رواها محمد بن موسى الهمداني، و قد رويت عنه كل ما في كتاب المنتخبات ممّا أعرف طريقه من الرجال الثقات».
فالظاهر أنَّ الصدوق قرأ بعض أجزاء هذا الكتاب على ابن الوليد و أجاز ابن الوليد كتاب المنتخبات للشيخ الصدوق، و لكن استثنى ابن الوليد من هذا الكتاب الروايات التي رواها سعد عن محمد بن موسى الهمداني، و معنى ذلك أنَّ ابن الوليد إنما أجاز للشيخ الصدوق أحاديث كتاب المنتخبات التي يعتقد أنها صحيحة، و هذا دلٌّ على نهاية دقة قدمائنا في مجال التراث الحديثي و نقله.
الثاني: إنَّ النجاشي بعد ذكر طريقه إلى كتب سعد نقل أنَّ ابن قولويه أدرك سعد و لكن لم يرو عنه إلا حديثين، و لذلك نجد أنَّ ابن قولويه روى كتب سعد عن أبيه و أخيه عن سعد في طريق النجاشي^[١]، و هذا يدلُّ على نهاية دقة قدمائنا في مجال الحديث، إذ لا يكتفون بمجرد اللقاء للأستاذ أو الشيخ، بل يعتمدون على السماع و تحمّل الكتاب من الأستاذ، و كذلك لا يعتمدون على مجرد الوجادة.

^[٢] . طريق النجاشي إلى كتب سعد هو: «المفيد و الحسين الغضائري و الحسين بن موسى بن هدية، عن جعفر بن محمد بن قولويه، عن أبيه و أخيه، عن سعد».

بعد به ذکر شیوخ سعد میپردازند و میفرمایند که ٦٠ درصد از اجلاء هستند و ١٥ درصد از ضعفاء و اهل غلو و ٢٥ درصد هم مهمل.

بعد هم به تفصیل اسامی و ترجمه آنها را نقل میکنند.

در مجموع ٥٧ نفر هستند.

بعد به شاگردان میپردازند:

و قد كان حدود ۵۰٪ من تلامذته من الأجلء و الثقات، و حدود ۳۰٪ منهم ليس لهم توثيق مصطلح، لكن توجد شواهد للاعتماد على رواياتهم، و حدود ۲۰٪ منهم كانوا من المهملين.

بعد آماری از کتاب فهرست داده اند که اجمال کار ایشان چنین است: در فهرست سعد بن عبدالله به ما رسیده است ۱۲۱ نفر است و از اینها ۱۸ مورد هم جناب نجاشی و هم جناب شیخ نقل کرده اند. ۷۲ نفر از انفرادات شیخ است. ۳۱ نفر از انفرادات مرحوم نجاشی است.

طبیعتاً درصد منفردات نجاشی ۲۵ درصد و منفردات شیخ ۶۰ درصد و درصد مشترکات ۱۵ درصد است.

الأول: طریق محمد بن الحسن بن الولید، و قد وصل إلینا حدود ۵۰٪ من فهرست سعد بن عبد الله عن هذا الطريق^{۱۴}.

الثاني: طریق علي بن الحسين بن بابويه (والد الشيخ الصدوق)، و وصل حدود ۳۰٪ من فهرست سعد بن عبد الله عن هذا الطريق^{۱۵}.

الثالث: طریق أحمد بن محمد بن يحيى العطار، و قد وصل إلینا حدود ۲۰٪ من فهرست سعد بن عبد الله عن هذا الطريق^{۱۶}.

بعد هم متن فهرست سعد بن عبدالله را ذکر کرده اند.

فهرست عبد الله بن جعفر الحميري

در قسمت مقدمه ایشان ترجمه را ذکر کرده اند و نکته خاصی ندارد. اجمالاً بحث قرب الاسناد است که مهم است و نکاتی دارد که ایشان هم خیلی فنی عمل نکرده اند. یک سری ظرافتها را متوجه نشده اند. اجمالاً اینکه قرب الاسناد برای پدر است و روایتی که ابن ادریس از نسخه پدر داشته است به نسخه پسر بوده است ظاهراً.

اما اینکه قرب الاسناد به کدام امام است نکاتش را باید خودم عرض کنم. ایشان اجمالاً فرموده اند که نجاشی قرب الاسناد الی الرضا سلام الله علیه دارد ولی شیخ مطلق قرب الاسناد فرموده اند.

بعد آماری از شیوخ ایشان داده اند:

و قد كان حدود ۷۰٪ من شیوخه من الثقات و الأجلء، و حدود ۲۰٪ منهم ليس لهم توثيق مصطلح، و حدود ۱۰٪ منهم من الذين صرح بعضهم.

که ۴۵ نفر هستند.

شاگردان را بعد ذکر میکنند:

و قد كان حدود ۷۵٪ من تلامذته من الثقات و الأجلء، و الباقي ليس لهم توثيق مصطلح، إلا أن هناك شواهد موجودة تساعد على الاعتماد على رواياتهم.

شاگردان ۱۵ نفر هستند.

بعد وارد نقلهای رسیده از کتاب فهرست ایشان شده اند.

۲۷ مورد نقل مشترک و ۶۲ مورد انفرادات شیخ و ۵۹ مورد انفراد نجاشی.

مجموعاً ۱۴۸ مورد نقل. تقریباً ۴۰ و ۴۰ و ۲۰ است.

بعد طرق فهرست ایشان را نقل میکنند:

و قد تبين لنا أنّ لفهرست الحميري أربعة طرق:

الأول: طریق ابن الولید، و قد وصل إلینا حدود ۴۰٪ من فهرست الحميري عن هذا الطريق^[۱].

الثاني: طریق أحمد بن محمد بن يحيى العطار، و قد وصل إلینا حدود ۳۰٪ من فهرست الحميري عن هذا الطريق^[۲].

الثالث: طریق علي بن الحسين بن بابويه (والد الشيخ الصدوق)، و قد وصل إلینا حدود ۲۰٪ من فهرست الحميري عن هذا الطريق^[۳].

الرابع: طریق محمد ولد المؤلف (محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري)، و قد وصل إلینا حدود ۱۰٪ من فهرست الحميري عن هذا الطريق^[۴].

[۱]. نقل الشيخ الطوسي في أكثر من ۶۰ مورداً عن هذا الطريق و أمّا النجاشي فقد نقل ۱۵ مورداً عن هذا الطريق.

[۲]. نقل النجاشي في أكثر من ۵۰ مورداً عن هذا الطريق كما أنّ الشيخ الطوسي نقل ۱۳ مورداً عن هذا الطريق.

[۳]. نقل الشيخ الطوسي في أكثر من ۴۰ مورداً عن هذا الطريق و نقل النجاشي ۴ موارد عن هذا الطريق.

[۴]. نقل الشيخ الطوسي في ۱۰ موارد عن هذا الطريق، و نقل النجاشي مورداً واحداً، على نحو الحكاية عن هذا الطريق.

فهرست حميد بن زياد

ایشان در مقدمه تحقیق بعد از ذکر حمید یک نکته بسیار مهم میگویند و آن اینکه فهرست حمید مشکل نقل کتب به نحو و جاده را دارد و غالباً اجازه کتابهای ایشان از اصحاب ابی عبدالله علیه السلام با یک واسطه است که اصلاً به طبقه حمید نمیخورد و لذا ظاهراً اینها مرسل است.

بعد ایشان طرق به کتاب حمید را از شیخ و نجاشی نقل میکنند:

أمّا الطرق إلى كتب حميد، فقد ذكر النجاشي طرقه إليها على النحو التالي:

۱. «أخبرنا الحسين بن عبيد الله [الغضائري]، قال: حدّثنا أحمد بن جعفر بن سفيان [البرزقري]، عن حميد».

۲. «قال أبو المفصل الشيباني: أجازنا سنة عشر وثلاثمئة»^[۱].

^{۱۴}. نقل الشيخ الطوسي في أكثر من ۶۰ مورداً عن هذا الطريق.

^{۱۵}. نقل النجاشي في أكثر من ۵۰ مورداً بهذا الطريق كما أنّ الشيخ الطوسي نقل في مورد واحد عن هذا الطريق.

^{۱۶}. نقل الشيخ الطوسي في أكثر من ۳۰ مورداً عن هذا الطريق.

٣. «قال أبو الحسن علي بن حاتم [القزويني]: لقيته سنة ست و ثلاثمئة و سمعت منه كتابه الرجال قراءة و أجاز لنا كتبه»^[١].

٤. و أما طريقه إلى خصوص كتاب الدعاء لحميد، فهو: «أخبرنا أحمد بن علي بن نوح، عن الحسين بن علي بن سفيان [البزوفري]، عن حميد». و أما طرق الشيخ الطوسي إلى كتب حميد فهي ثلاثة:

١. «أخبرنا برواياته كلها و كتبه أحمد بن عبدون، عن أبي طالب الأنباري، عن حميد».

٢. «أخبرنا أيضا عدّة من أصحابنا، عن أبي المفضل الشيباني، عنه».

٣. «أخبرنا أيضا أحمد بن عبدون، عن أبي القاسم علي بن حبشي بن قوني بن محمد الكاتب، عن حميد».

فتحصّل أنّ النجاشي اعتمد على طريق واحد إلى كتب حميد، هو طريق أحمد البزوفري (چون سه تاي ديگر را خبرنا نفرموده اند)، و الشيخ اعتمد على ثلاثة طرق إلى كتب حميد، هي طريق أبي المفضل الشيباني، و طريق أبي طالب الأنباري، و علي بن حبشي.

[١]. عبّر النجاشي ب «قال أبو المفضل الشيباني»، و لم يعبّر بقوله «أخبرنا» أو «حدّثنا»، إنّ دلّ هذا على شيء فهو يدل على أنّ النجاشي لم يعتمد تماما على طريق الشيباني.

[٢]. عبّر النجاشي بقوله: «قال ابو الحسن علي بن حاتم» و لم يعبّر بقوله «حدّثنا»، فإنّ علي بن حاتم في طبقة شيخ شيخه، فهذا الطريق مرسل، و هذا يدل -كسابقه- على عدم اعتماد النجاشي على هذا الطريق.

بعد مشايخ حميد را ذکر ميکنند:

و قد كان حدود ٣٠% من مشايخه من الثقات و الأجلّاء، و حدود ٦٠% منهم كانوا ممّن ليس لهم التوثيق المصطلح، و حدود ١٠% منهم كانوا من الضعفاء. اين مشايخ ٤٩ نفر هستند.

بعد شاگردان را ذکر ميکنند:

و قد كان حدود ٥٠% من تلامذته من الثقات و الأجلّاء، و حدود ٣٠% منهم كانوا من المجهولين، و حدود ٢٠% منهم من الضعفاء شاگردان ایشان ١٣ نفر هستند.

بعد ایشان اهمیت حميد را در نقل اصول مطرح کرده اند که بسياری از اصول توسط ایشان نقل شده است.

بعدايشان ميفرمايند که ٨٥ مورد شيخ و نجاشی هر دو نقل کرده اند.

١٥٨ مورد از انفردات شيخ است.

٧٦ مورد هم از انفردات نجاشی است.

مجموعاً ٣١٩ مورد که درصدهش تقريباً ٢٥ مشترك و ٥٠ انفرد شيخ و ٢٥ انفرد نجاشی است.

بعد ميفرمايند:

الأول: طريق أبي طالب عبد الله بن أحمد الأنباري، و قد وصل إلينا حدود ٢٠% من فهرست حميد عن هذا الطريق^[١].

الثاني: طريق أحمد بن جعفر بن سفيان البزوفري، و قد وصل إلينا حدود ٢٦% من فهرست حميد عن هذا الطريق^[٢].

الثالث: طريق علي بن حبشي بن قوني، و قد وصل حدود ١٠% من فهرست حميد عن طريق ابن حبشي^[٣].

الرابع: طريق أبي المفضل الشيباني، و قد وصل حدود ٣٥% من فهرست حميد عن هذا الطريق الشيباني^[٤].

الخامس: طريق محمد بن همام الإسكافي، و قد وصل حدود ٥% من فهرست حميد عن هذا الطريق^[٥].

السادس: طريق الحسين بن علي بن سفيان البزوفري، و قد وصل إلينا حدود ٤% من فهرست حميد عن هذا الطريق^[٦].

ثمّ إنّ الشيخ نقل في ٢٥ موردا من فهرست حميد على سبيل الحكاية، دون إشارة إلى أنّه نقلها من أيّ طريق، كما أنّ النجاشي نقل ٧ موارد على سبيل الحكاية.

[١]. نقل الشيخ الطوسي أكثر من ٧٠ موردا عن هذا الطريق، و أمّا النجاشي فقد نقل موردا واحدا عن هذا الطريق.

[٢]. نقل النجاشي في أكثر من ٨٠ موردا عن هذا الطريق، و أمّا الشيخ الطوسي فقد نقل ثلاثة موارد عن هذا الطريق.

[٣]. نقل النجاشي في أكثر من ٣٠ موردا عن هذا الطريق، و أمّا الشيخ الطوسي فقد نقل عن هذا الطريق موردا واحدا.

[٤]. نقل الشيخ الطوسي في أكثر من ١٠٠ مورد عن هذا الطريق، و أمّا النجاشي فقد نقل موردا واحدا عن هذا الطريق على سبيل الحكاية.

[٥]. نقل الشيخ الطوسي عن هذا الطريق في ٩ موارد، و أمّا النجاشي فقد نقل سبعة موارد عن هذا الطريق.

[٦]. نقل النجاشي في ١٦ موردا عن هذا الطريق، و لم ينقل الشيخ الطوسي عن هذا الطريق.

بعد هم همان نکته قبلی را تکرار میکنند که:

ثمّ إنّ وقع في فهرست حميد الإرسال و السقط، بحيث وجدنا أنّ حدود ١٠% من فهرست حميد، وصل إلينا مع إرسال أو سقط.

بعد با جزئیات این موارد را ذکر میکنند:

وجدناها، و أثبتناها في خمسة أقسام:

الأول: روى القاسم بن إسماعيل هذه الكتب مرسلًا: كتاب آدم بيّاع اللؤلؤ، و كتاب إبراهيم بن عمر اليماني، و كتاب عبد الله بن الوليد النخعي، و كتاب الحسين بن حماد، و كتاب محمد بن حكيم، و كتاب أبي الصّبّاح مولى آل سام، و كتاب طلحة بن زيد، و كتاب أبي مخلد السراج، و كتاب أبي شبل، و كتاب يحيى بن أبي العلاء، و كتاب محمد بن حكيم، و كتاب علي بن ميمون.

الثاني: روى أحمد بن عبيد الله بن نهيك هذه الكتب مرسلًا: كتاب إبراهيم بن عمر اليماني، و كتاب أحمد بن رباح، و كتاب برد الإسكافي، و كتاب يحيى بن محمد بن علي، و كتاب جعفر الهذلي، و كتاب عبد الله بن بكير.

الثالث: روى الحسن بن محمد بن مسعدة مراسلا هذه الكتب: كتاب يعقوب بن شعيب، وكتاب علي بن ميمون الصائغ، وكتاب محمد بن حمران، وكتاب محمد بن مروان الذهلي، وكتاب داوود بن سرحان وكتاب درست الواسطي.

الرابع: روى محمد بن موسى خوراء مراسلا كتاب أبي مريم الأنصاري.

الخامس: روى إبراهيم بن سليمان مراسلا كتاب عمرو بن شمر.

فهرست ابن بطه

نكته جالبي دارند. طرق به كتاب ابن بطه را كه نقل ميكنند:

ثم إن النجاشي ذكر طريقين إلى كتب ابن بطّة القمي، وهما:

الأول: أخبرنا أبو العباس أحمد بن علي بن نوح، قال: حدّثنا الحسن بن حمزة العلوي الطبري عنه بكتبه.

الثاني: قال أبو المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب [الشيبياني]: «حدّثنا محمد بن جعفر بن بطّة وقرأنا عليه وأجازنا ببغداد في النوبختية وقد سكنها».

وربما يتوهم أنّ النجاشي روى بلا واسطة عن أبي المفضل الشيباني (في طريقه الثاني إلى كتب ابن بطّة)، مع أنّه قال في ترجمة أبي المفضل الشيباني: «رأيت هذا الشيخ وسمعت منه شيئا كثيرا،

ثم توقّفت عن الرواية عنه إلا بواسطة بيني وبينه»^[1].

هذا، ولكن بعد التأمل في كلام النجاشي، وجدنا أنّه نقل عنه على سبيل الحكاية دون الرواية، فقال النجاشي: «قال أبو المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني: حدّثنا محمد بن جعفر بن

بطّة»، و لم يقل: «أخبرنا أبو المفضل».

^[2]. رجال النجاشي الرقم ١٠٥٩ ص ٣٩٦.

بعد آمار اساتيد او:

وقد كان حدود ٥٠% من مشايخه من الثقات والأجلاء، و حدود ٤٥% منهم كانوا ممّن ليس لهم التوثيق المصطلح، و حدود ٥% منهم كانوا من الضعفاء.

١٨ استاد.

این آمار به دلیل تعلیق الاجازات بالاسانيد ابن بطه ارزش اعتنا ندارد.

بعد به شاگردان ميرسند:

وقد كان حدود ٤٠% من تلامذته من الثقات والأجلاء، و حدود ٥٠% منهم ليس لهم توثيق مصطلح، و حدود ١٠% منهم كانوا من الضعفاء.

٩ نفر شاگرد نقل ميکنند.

بعد آمار نقل مشترك شيخ و نجاشی ٨٧ مورد است.

١٣٧ انفراد شيخ.

٣٩ مورد انفراد نجاشی. مجموعا ٢٦٣ مورد.

بعد ميفرمايند:

وقد تبين لنا أنّ فهرست ابن بطّة وصل إلينا بطريقين:

الأول: طريق الحسن بن حمزة، وصل إلينا حدود ٦٠% من فهرست ابن بطّة عن هذا الطريق^[1].

الثاني: طريق أبي المفضل الشيباني، وقد وصل إلينا حدود ٤٠% من فهرست ابن بطّة عن هذا الطريق^[2].

ثمّ إنّ النجاشي نقل في ٢٢ موردا عن فهرست ابن بطّة حكاية لا رواية، و كلام النجاشي في هذه الموارد كان ناظرا إلى طريق أبي المفضل الشيباني، و كان للنجاشي إشكالا في هذا الطريق؛

لضعف أبي المفضل الشيباني عنده، فلذلك لم يرو عن هذا الطريق، بل نقل عنها حكاية^[3].

^[1]. انفراد النجاشي بالنقل عن هذا الطريق، و روى عن هذا الطريق أكثر من ١٠٠ مورد.

^[2]. انفراد الشيخ الطوسي بالنقل عن هذا الطريق، و روى عن هذا الطريق أكثر من ٢٠٠ مورد.

^[3]. رجال النجاشي الرقم ٣٣٣ ص ١٣٠.

بعد ايشان ميفرمايندكه نجاشی با نقل طريقی غير از طريق شيخ، اشكالاتی را كه در اين فهرست بوده است تا حدی اصلاح کرده اند و اصلاحات را به سه دسته تقسيم ميکنند:

الأول: صرّح النجاشي بأنّه روى ابن بطّة بواسطة محمد بن الحسن الصفّار، مع أنّا قد وجدنا في طريق أبي المفضل الشيباني (على ما نقله الشيخ الطوسي) سقطت هذه الوساطة.

فراجع إلى فهرست ابن بطّة في ترجمة الحارث بن الأحول و حبيب الخثعمي و الحسن بن السري الكاتب و الحسين بن نعيم الصحّاف و حفص بن سالم و المحكم بن أيمن و خالد بن أبي

إسماعيل و خالد بن صبيح و سعد بن أبي خلف و سعد بن سعد الأشعري و سعيد بن غزوان و سعيد بن مسلمة و شهاب بن عبد ربّه و صالح بن رزين و علي بن الحسن الصيرفي و عمرو الأفرق و

مثنى بن الحضرمي و محمد بن مارد و أبي مريم الأنصاري و أبي سليمان الحّمّار.

الثاني: صرّح النجاشي بأنّ ابن بطّة روى عن أحمد بن أبي عبد الله بواسطة أبيه محمد بن خالد، و لكن في طريق أبي المفضل الشيباني (على ما نقله الشيخ الطوسي) سقطت هذه الوساطة، فراجع

إلى ترجمة مطلب بن زياد في فهرست ابن بطّة.

الثالث: صرّح النجاشي بأنّ ابن بطّة روى عن أحمد بن محمد بن عيسى بواسطة أحمد بن أبي عبد الله، و لكن في طريق أبي المفضل الشيباني (على ما نقله الشيخ الطوسي) سقطت هذه الوساطة،

فراجع إلى ترجمة أبي عثمان الأحول في فهرست ابن بطّة.

وتجدد الإشارة إلى أنّ النجاشي لم ينقل ولا مرة واحدة من طريق الشيباني لفهرست ابن بطّة، و من المحتمل أنّه رأى في هذا الطريق غلطا كثيرا، ولذلك لم يعتمد عليه.

فهرست ابن الوليد

در ترجمه ابن الوليد اسم دو کتاب از کتب ایشان نام برده شده است ولی خبری از فهرست نیست. فهرست ایشان در عبارت دیگری با این حالت که ذکره ابن الوليد في فهرسته ذکر شده است. (نجاشی در ترجمه اسماعیل بن جابر الجعفی) «له کتاب، ذکره محمد بن الحسن بن الوليد في فهرسته». رجال النجاشي الرقم ٧١ ص ٣٢)).
وقد كان حدود ٥٥% من شيوخه من المعروفين بالوثاقة والجلالة، و حدود ٤٠% منهم الآن من المجاهيل، و حدود ٥% منهم كانوا من الضعفاء.
این افراد ٢٠ نفرند.

شاگردان:

وقد كان حدود ٥٠% تلامذته من الثقات والأجلاء، و حدود ٥٠% منهم ليس لهم توثيق مصطلح.

شاگردان ده نفرند.

٤٥ مورد نقل مشترك شيخ و نجاشی از فهرست ایشان. ١٧٧ مورد انفراد شيخ. ٣٢ مورد انفراد نجاشی.

جمعا ٢٥٤ مورد.

وقد تبين لنا أنّ فهرست ابن الوليد وصل إلينا بثلاثة طرق:

الأول: طريق ابن أبي جيد، و قد وصل إلينا حدود ٧٠% من فهرست ابن الوليد عن هذا الطريق^[١].

الثاني: طريق الشيخ الصدوق و قد وصل إلينا حدود ٢٥% من فهرست ابن الوليد عن هذا الطريق^[٢].

الثالث: طريق ولد المؤلف و قد وصل إلينا حدود ٥% من فهرست ابن الوليد عن هذا الطريق^[٣].

^[١]. إنّ الشيخ الطوسي نقل في أكثر من ١٥٠ موردا عن هذا الطريق و أما النجاشي فقد نقل في أكثر من ٦٠ موردا عن هذا الطريق.

^[٢]. إنّ الشيخ الطوسي نجد أنّه نقل في أكثر من ٧٠ موردا عن هذا الطريق، و أما النجاشي فقد نقل في ٣ موارد عن هذا الطريق.

^[٣]. إنّ الشيخ الطوسي، نجد أنّ الشيخ الطوسي نقل في ٩ موارد عن هذا الطريق، و اما النجاشي فلم ينقل عن هذا الطريق.

فهرست ابن قولويه پسر(جعفر بن محمد بن جعفر)

هذا و قد وقع الكلام في سنة وفاته، فذكر الشيخ أنّه توفي سنة ٣٦٨، و تبعه ابن حجر في لسان الميزان.

وقال العلامة في خلاصة الأقوال أنّ وفاته في سنة ٣٦٦ هجرية، كما و ذكر الراوندي في كتابه في قصة فيها مكرمة للإمام الثاني عشر أنّ وفاته وقعت في سنة ٣٦٩ هجرية^[١].

^[١]. و لا بأس بذكر هذه المكرمة: إنّ الراوندي ذكر مرسلا عن جعفر بن محمد بن قولويه أنّه قال: لَمَّا وصلت بغداد في سنة ٣٣٩ للهجر - و هي السنة التي ردّ القرامطة فيها الحجر إلى مكانه من البيت -، كان أكبر همّي الظفر بمن ينصب الحجر، فاعتللت علّة صعبة خفت منها على نفسي، و لم يتهيأ لي ما قصدت له، فاستنبت المعروف بابن هشام و أعطيته رقعة مختومة أسأل فيها عن مدة عمري، و هل تكون المنيّة في هذه العلة أم لا، و قلت: همّي إيصال هذه الرقعة إلى واضع الحجر في مكانه و أخذ جوابه، و إنّما أندبك لهذا.

قال المعروف بابن هشام: لَمَّا حصلت بمكة و عزم على إعادة الحجر، بذلت لسدنة البيت جملة تمكّنت معها من الكون بحيث أرى واضع الحجر في مكانه، و أقمت معي منهم من يمنع عتي إزدحام الناس، -- فكلّمنا عمد إنسان لوضعه اضطرب و لم يستقم، فأقبل غلام أسمر اللون حسن الوجه، فتناوله و وضعه في مكانه، فاستقام كأنّه لم يزل عنه، و علت لذلك الأصوات، و انصرف خارجا من الباب، فنهضت من مكاني أتبعه و أدفع الناس عني يمينا و شمالا حتّى ظنّ بي الاختلاط في العقل، و الناس يفرجون لي، و عيني لا تفارقه حتّى انقطع عن الناس، فكنت أسرع السير خلفه و هو يمشي على تودة و لا أدركه، فلَمَّا حصل بحيث لا أحد يراه غيري وقف و التفت إليّ فقال: «هات ما معك». فناولته الرقعة، فقال من غير أن ينظر فيها: «قل له: لا خوف عليك في هذه العلة، و يكون ما لا بدّ منه بعد ثلاثين سنة». فوقع على الزمع [الدهش] حتّى لم أطق حراكا، و تركني و انصرف.

قال أبو القاسم: فأعلمني بهذه الجملة، فلَمَّا كان سنة تسع و ستين اعتلّ أبو القاسم فأخذ ينظر في أمره و تحصيل جهازه إلى قبره، و كتب وصيته و استعمل الجدّ في ذلك، فقيل له: ما هذا الخوف! و نرجو أن يتفضّل الله تعالى بالسلامة، فما عليك مخوفة، فقال: هذه السنة التي خوّفت فيها، فمات من علته. راجع الخرائج و الجرائح ج ١ ص ٤٧٦، بحار الأنوار ج ٩٦ ص ٢٢٦.

از جمله کتب ایشان:

کتاب الفهرست، قال الشيخ الطوسي في فهرسته في ترجمة ابن قولويه بعد ذکر أسامي بعض کتبه: «و له فهرست ما رواه من الكتب و الأصول»^[١]. (حقیق: ظاهرا ایشان اولین کسی است که اصطلاح اصل را به بغداد آورده اند)

^[١]. الفهرست الرقم ١٤١ ص ٩١.

اساتید:

وقد كان حدود ٦٠% من شيوخه من الأجلاء و الثقات، و حدود ٢٥% من الذين ذكروا في كتب الرجال، و لكن ليس لهم توثيق صريح، و حدود ١٥% المهملين.

٤١ استاد.

شاگردان:

وقد كان حدود ٤٠% من تلامذته من الموثقين، و حدود ٦٠% منهم من المهملين، و لم تذكر أسماءهم في كتب الرجال

١٠ شاگرد.

نقل از فهرست ایشان:

نقل مشترك ٤ تا نقل انفراد شيخ ٥ تا و نقل نجاشی ٣٩ مورد.

وقد تبين لنا أنّ لفهرست ابن قولويه خمسة طرق:

الأول: طريق الشيخ المفيد، وقد وصل إلينا حدود ٤٠% من فهرست ابن قولويه عن هذا الطريق.

الثاني: طريق الحسين بن هديّة، وقد وصل إلينا حدود ٢٠% من فهرست ابن قولويه عن هذا الطريق.

الثالث: طريق الحسين الغضائري، وقد وصل إلينا حدود ٢٠% من فهرست ابن قولويه عن هذا الطريق.

الرابع: طريق ابن نوح، وقد وصل إلينا حدود ١٠% من فهرست ابن قولويه عن هذا الطريق.

الخامس: طريق ابن عبدون، وقد وصل إلينا حدود ١٠% من فهرست ابن قولويه عن هذا الطريق^[١].

[١]. ذكر في فهرست ابن قولويه أنّه روى الشيخ المفيد في أكثر من ٢١ مورداً عن ابن قولويه و ذكر في ١٠ موارد أنّه روى الحسين بن أحمد بن محمد بن هديّة عن ابن قولويه و ذكر في ٨ موارد أنّه روى الحسين الغضائري عن ابن قولويه و ذكر في أربعة موارد أنّه روى ابن نوح عن ابن قولويه، ثمّ إنّ الشيخ الطوسي و النجاشي في ٥ موارد صرّحاً بأنّهما رويّا عن «عده» أو «جماعة» من أصحابنا أو «شيوخنا» عن ابن قولويه في مجال الفهرست، و أشار في مطاوي كلامه إلى خمسة منهم: الشيخ المفيد، و الحسين بن عبيد الله الغضائري، و أحمد بن علي بن نوح السيرافي، و الحسين بن هديّة، و أحمد بن عبد الواحد، فهؤلاء الخمسة داخلون في هذه العدة و الجماعة.

فهرست صدوق پسر

ایشان ماجرای ولادت شیخ صدوق را از غیبت شیخ و جاهای دیگر نقل میکنند.

بعد اساتید شیخ صدوق و شاگردانشان را نقل میکنند. اجمالاً ایشان ١٧٥ استاد و ٢٣ شاگرد نقل میکنند.

از ص ١١٥٣ تا ١١٥٥ رحلات حدیثی شیخ صدوق را بر اساس اطلاعاتی که از اسناد تاریخی به دست میآیند با ذکر مدرک در حاشیه بیان کرده اند. بسیار لطیف است.

١. كان في قَمّ سنة ١٢٣٩. ٢. سافر إلى الري، و كان فيها سنة ١٣٤٧. ٣. سافر إلى مشهد الرضا عليه السلام في سنة ٣٥٢، و في هذا السفر دخل نيسابور في شهر شعبان، و كذلك دخل مروالروذ، و سمع جمعا من مشايخ البلدين^{١١}. ٤. سافر إلى الحجّ في سنة ٣٥٢، و الظاهر أنّ هذا السفر طال لمدة ثلاث سنوات أو أكثر، و في سفره إلى الحجّ دخل بغداد، و الكوفة، و سمع من المشايخ. ٥. بعد انصرافه من بيت الله الحرام سنة ٣٥٤، دخل فيد، و همذان، و سمع من المشايخ. ٦. دخل بغداد بعد منصرفه من الحجّ سنة ٣٥٥. ٧. رجع إلى الري، كما يظهر من كتاب الأمالي، إذ بدأ بالمجلس الأول في ١٨ رجب من سنة ٣٦٧. ٨. سافر إلى مشهد الرضا عليه السلام سنة ٣٦٧. (زيارته الثانية)^{٢٨}. ٩. عوده إلى الري، و كان في غزّة المحرّم من سنة ٣٦٨. ١١. سافر إلى مشهد الرضا عليه السلام (زيارته الثالثة) في شعبان سنة ٣٦٨. ١٢. سافر إلى ديار ما وراء النهر، و دخل بلخ و سرخس و إيلاق و سمرقند و فرغانة^{٣١}. ١٣. عاد إلى الري و بقي فيها حتّى توفيّ قدس سرّه^{٣٢}.

نقل مشترك از فهرست ایشان ٢ تا و انفرادات شیخ ١٠٢ و انفرادات نجاشی ٤ مورد. جميع موارد ١٠٨ مورد.

فهرست ابن عبدون

ایشان در ترجمه ابن عبدون عبارت علوا فی الوقت را نقل میکنند و انواع قرآنی که شده است و معانی محتمل گفته شده را ذکر میکنند و آخرش هم همان تعبیر استاد را توضیح میدهند که ایشان به دلیل درک علی بن محمد بن الزبیر القرشی، علو اسناد داشته اند. بعد هم شواهدی برای جلالت قدر ایشان ذکر میکنند.

ایشان به ذکر شخصی از اهل سنت که نامش بسیار شبیه ابن عبدون ما است میپردازند:

١٧. قال في معاني الأخبار ص ٣٠١: «حدّثنا حمزة بن محمّد بن أحمد بن جعفر بن محمّد بن زيد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام بقمّ في رجب سنة تسع و ثلاثين و ثلاثمئة...».

١٨. قال في الأمالي ص ٣٠٤: «حدّثنا محمّد بن أحمد بن علي بن أسد الأسدي بالري في رجب سنة سبع و أربعين و ثلاثمئة...».

١٩. قال في عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ١ ص ٣١٢: «لما استأذنت الأمير السعيد ركن الدولة في زيارة مشهد الرضا عليه السلام، فأذن لي في ذلك في رجب من سنة اثنتين و خمسين و ثلاثمئة».

٢٠. معرّب «مروورد».

٢١. قال في التوحيد ص ٢٤٣، ٢٧٠: «حدّثنا عبد الواحد بن محمّد بن عبدوس العطار بنيسابور سنة اثنتين و خمسين و ثلاثمئة...»، ص ٤٠٦: «حدّثنا أبو علي الحسين بن أحمد البيهقي بنيسابور سنة اثنتين و خمسين و ثلاثمئة».

٢٢. نعم ظاهر كلام النجاشي أنّه لم يدخل بغداد قبل سنة ٣٥٥، بمعنى أنّه بعد انصرافه من الحجّ دخل بغداد، و لكنّه صرّح في عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ٢ ص ٦٢: «حدّثنا أبو الحسن علي بن ثابت الدواليبي بمدينة السلام سنة اثنتين و خمسين و ثلاثمئة...».

٢٣. قال في عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ٢ ص ٢٢٦: «حدّثنا أحمد بن هارون الفامي في مسجد الكوفة سنة أربع و خمسين و ثلاثمئة»: الأمالي ص ٤٦٩: «حدّثنا محمّد بن علي بن الفضل الكوفي بالكوفة...».

٢٤. قال في عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ١ ص ٦٢: «حدّثنا أبو علي أحمد بن أبي جعفر البيهقي بفيد بعد منصرفي من حجّ بيت الله الحرام سنة أربع و خمسين و ثلاثمئة»، و فيد بليدة على نصف طريق الحاجّ من الكوفة إلى مكة: معجم البلدان ج ٤ ص ٢٨٢.

٢٥. قال في الخصال ص ١٠٦: «حدّثنا أبو أحمد القاسم بن محمّد بن أحمد بن عبدويه السراج الزاهد الهمداني بهمدان منصرفنا من بيت الله الحرام سنة أربع و خمسين و ثلاثمئة...».

٢٦. صرّح النجاشي في رجاله برقم ١٠٤٩ ص ٣٨٩ بأنّه ورد بغداد سنة خمس و خمسين و ثلاثمئة.

٢٧. قال في الأمالي ص ٤٠: «المجلس الأول و هو يوم الجمعة لاثنتي عشرة بقيت من رجب سنة سبع و ستّين و ثلاثمئة».

٢٨. قال في الأمالي ص ١٨٣: «المجلس السادس و العشرون بمشهد الرضا عليه السلام يوم غدیر ختم و هو يوم السبت الثامن عشر من ذي الحجّة سنة سبع و ستّين و ثلاثمئة».

٢٩. قال في الأمالي ص ١٩٨: «المجلس السابع و العشرون و هو يوم الجمعة غزّة محرّم سنة ثمان و ستّين و ثلاثمئة، أملاه بعد رجوعه من مشهد الرضا عليه السلام».

٣٠. قال في الأمالي ص ٧٦٣: «المجلس الخامس و التسعون، مجلس يوم الأربعاء لاثنتي عشرة ليلة بقيت من شعبان سنة ثمان و ستّين و ثلاثمئة، أملاه في مشهد الرضا عليه السلام».

٣١. قال في الأمالي ص ٧٥٢: «المجلس الرابع و التسعون، أملاه في المشهد المقدّس عند خروجه إلى ديار ما وراء النهر»، قال في الفقيه ج ١ ص ٢: «أما بعد فإنّه لما سافني القضاء إلى بلاد الغربة و حصلني القدر منها بأرض بلخ من قصبه إيلاق و ردها شريف الدين أبو عبد الله المعروف بنعمة...».

٣٢. توفيّ سنة ٣٨١ بالري، كما صرّح بذلك النجاشي في رجاله، برقم ١٠٤٩ ص ٣٩٢، و كان عمره ثنفا و سبعين سنة، و قبره بالري.

- تجدد الإشارة إلى أنّ هناك رجلاً آخر معروفًا بابن عبدون، وكان من رجال العائمة، وهو محمد بن عبد الله بن عبدون الحنفي العذري، وكان فقيهاً أصولياً، تولّى قضاء القبروان،^[1] وألف كتباً متعدّدة، منها: «اعتلال أبي حنيفة» في تسعين جزءاً و«الاحتجاج بقول أبي حنيفة»،^[2] و«الآثار» في الفقه، و«قصيداً رائيةً في التاريخ، وتوفّي سنة تسع وتسعين ومنتين»^[3].
- [1]. مدينة عظيمة في أفريقيا: معجم البلدان ج ٤ ص ٤٢١.
- [2]. ذكر الزركلي أنّ له كتاب «الاعتلال»: الأعلام الزركلي ج ٦ ص ٢٢٣.
- [3]. كشف الظنون ج ١ ص ١١٩، هدية العارفين ج ٢ ص ٢٣، معجم المؤلفين ج ١٠ ص ٢٢٥.
- فلذلك ذكر إسماعيل باشا البغدادي يذكر عنوان «ابن عبدون» مرتين، تارة بعنوان: ابن عبدون البغدادي الشيعي المتوفّي سنة ٤٢٣، وأخرى ابن عبدون الحنفي المتوفّي سنة ٢٩٩^[4].
- [4]. هدية العارفين ج ١ ص ٧٣، ج ٢ ص ٢٣.

اساتيد ايشان:

وقد كان حدود ٤٥% من شيوخه من الأجلّاء والثقات، و حدود ٢٤% من الذين ذكروا في كتب الرجال بلا توثيق صريح، و حدود ٢٥% من المهملين، و حدود ٦% من الضعفاء وأهل الغلوّ. ٣٠ استاد.

نقل از فهرست ايشان ٨ مورد مشترك. ٥٠ انفراد شيخ. ٤١ انفراد نجاشي.

مجموعاً ٩٩ مورد.

وقد تبين لنا أنّ لفهرست ابن عبدون طريقين:

الأول: طريق النجاشي، وقد وصل إلينا حدود ٤٥% من فهرست ابن عبدون عن هذا الطريق.

الثاني: طريق الشيخ الطوسي، وقد وصل إلينا حدود ٦٦% من فهرست ابن عبدون عن هذا الطريق.

نكتة مهمي كه در پايان تذكر ميدهند:

تبيه: روى الشيخ الطوسي في موارد عديدة في فهرسته عن جماعة من أصحابنا، وصرّح في بعضها أنّ من هذه الجماعة ابن عبدون أيضاً، ونحن لم نذكر هذه الموارد في فهرست ابن عبدون البغدادي؛ لأننا استظهرنا أنّ هذه الموارد هي إجازة من ابن عبدون، و لم نتيقن أنّها من فهرسته.

من هذه الموارد:

ما ذكره الشيخ بعنوان: عدّة من أصحابنا، عن أبي المفضّل الشيباني، عن حميد بن زياد، أو ما عبّر بالإسناد الأوّل، عن حميد؛ والمراد من الإسناد الأوّل هو: عدّة من أصحابنا، عن أبي المفضّل الشيباني، عن حميد.

وهي ١١٢ مورداً، ذكرناها في فهرست حميد.

ومنها: ما ذكره بعنوان: عدّة من أصحابنا، عن الشيخ الصدوق وهي ٦٣ مورداً، ونحن ذكرناها في فهرست الشيخ الصدوق.

ومنها: ما ذكره بعنوان: عدّة من أصحابنا، عن ابن بطة وهي ٢١٦ مورداً، ونحن ذكرناها في فهرست ابن بطة.

ومنها: ما ذكره بعنوان: عدّة من أصحابنا، عن جعفر بن محمد بن قولويه وهي أربعة موارد، ونحن ذكرناها في فهرست ابن قولويه.

فإننا نعتقد أنّ هذه الموارد كانت من إجازة ابن عبدون في مجال نقل كتب قدماء أصحابنا؛ إذ نقل الشيخ الطوسي قسماً من فهرست حميد بن زياد و فهرست ابن بطة و فهرست الشيخ الصدوق و فهرست ابن قولويه من طريق ابن عبدون.

سيحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين